



فصل ششم

مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد

مدرس: محمدعلی مولائی

کتاب مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد نوشته محمدجواد توکلی انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



هدف کلی:

این فصل درصدد تبیین مبانی ارزش‌شناختی اقتصاد است. مبانی یاد شده به پیش‌فرض‌های ارزش‌شناختی اقتصاد اشاره دارد که باعث ایجاد پیوند اقتصاد با فلسفه اخلاق و اخلاق می‌شود و حاکی از ارزش‌دآوری‌ها در نظریات اقتصادی است.

اهداف رفتاری: انتظار آن است که دانشجوی پس از مطالعه این فصل بتواند توضیحی برای مطالب زیر داشته باشد:

- ▶ _ رابطه اخلاق و اقتصاد، اخلاق اقتصادی تحلیلی، هنجاری، کاربردی، حرفه‌ای و توصیفی
- ▶ _ ارزش‌بار بودن نظریات اقتصادی، مفهوم ارزش در اقتصاد، تمایز ارزش ابزاری و غایی
- ▶ _ ارزش‌های نهفته در نظریه تقاضا (خودگرویی و دیگرگرویی)
- ▶ _ ارزش‌های نهفته در نظریه بازار رقابت کامل (آزادی اقتصادی، کارایی و عدالت)
- ▶ _ ارزش‌های نهفته در اقتصاد رفاه (مطلوبیت‌گرایی، کارایی، آزادی، رفاه و عدالت)
- ▶ _ ارزش‌های نهفته در اقتصاد توسعه
- ▶ _ رفتارهای خیرخواهانه

۱. مقدمه

هرچند دانش اقتصاد از همان اوان شکل‌گیری، به عنوان دانشی اخلاقی مطرح بوده است، تمایل اقتصاددانان به تبدیل این دانش به علمی فنی همانند فیزیک، باعث کاستن از بعد هنجاری آن و تفکیک اخلاق از اقتصاد شد. تفکیک اقتصاد از اخلاق، هزینه‌های ناگواری برای دانش اقتصاد داشت. تمرکز بیش از حد بر ارزش‌کارایی و غفلت از دیگر ارزش‌ها همچون عدالت، از جمله هزینه‌های این رویکرد است. در دهه‌های اخیر اقتصاددانان سعی کرده‌اند با احیای مباحث اخلاق و اقتصاد به تبیین رابطه دوسویه اخلاق و اقتصاد در سطح نظری و کاربردی بپردازند.



مفهوم و قلمرو مبانی ارزش شناختی اقتصاد

هنگامی که از مبانی ارزش شناسی اقتصاد سخن می گوئیم به رویکردهای ارزشی نظر داریم که نظریات اقتصادی را تحت تاثیر قرار می دهند. مطالعات فلسفه اخلاق و اقتصاد به شکل خاص به بررسی دامنه تاثیر پذیری اقتصاد از اخلاق می پردازد.

مبانی ارزش شناختی اقتصاد شامل برداشت اقتصاددانان نسبت به مفهوم ارزش ، انواع ارزش ، نظریات ارزش اخلاقی و مانند آن می شود.

هرچند برخی از مباحث ارزش شناختی در دیگر حوزه های دانشی از جمله فلسفه اخلاق مطرح می شود، تطبیق این مباحث بر نظریات اقتصادی و تعیین چگونگی متاثر شدن اقتصاددانان از این دیدگاه ها به عهده فلسفه اقتصاد است. برای نمونه ، با مطالعه سیاست های تجویزی از سوی اقتصاددانان می توان تاثیر پذیری آنها از مکاتب اخلاقی همچون مطلوبیت گرایی را متوجه شد.

رابطه اخلاق و اقتصاد

از نظر تاریخی ، اقتصاد به عنوان یک دانش اخلاقی متولد شد. آدام اسمیت ، پیش از آنکه استاد اقتصاد باشد ، استاد اخلاق بود. در اواخر قرن هجده میلادی، اقتصاددانان با مشاهده پیشرفت های برخی علوم تجربی همچون فیزیک درصدد برآمدند تا اقتصاد را به عنوان یک رشته علمی معرفی کنند. چنین تمایلی، زمینه تفکیک اقتصاد اثباتی و هنجاری را فراهم آورد. در این راستا، تلاش های زیادی برای پرهیز از تحلیل های هنجاری و ارایه تحلیل اثباتی رفتار های اقتصادی با استفاده از روابط دقیق ریاضی صورت گرفت.

توجه محوری اقتصاددانان به رفاه و کارایی در ارزیابی سیاست های اقتصادی موجب تقلیل اقتصاد دستوری به اقتصاد رفاه و غفلت از دیگر ارزش های اخلاقی از جمله عدالت شد. اقتصاددانان به طور عمده بهبود رفاه را به معنای افزایش میزان برآورده شدن ترجیحات افراد قلمداد می کنند؛ امری که عدالت را به حاشیه رانده است.

هرچند در اواسط قرن نوزدهم میلادی سوسیالیست های تخیلی و علمی تلاش پر دامنه ای را برای پرداختن به مقوله عدالت سامان دادند ؛ این خط فکری در اقتصاد نئوکلاسیک اواخر قرن نوزدهم توجه چندانی را به خود جلب نکرد.





رابطه اخلاق و اقتصاد بروز بحران بزرگ اقتصادی

- ▶ بروز بحران بزرگ اقتصادی در اوایل قرن بیستم میلادی، تحلیل های ارزشی در اقتصاد را تقویت کرد و موجب معرفی نظام های اقتصادی مختلط شد. در این شرایط ، اقتصاد کینزی بر اهمیت نقش مداخله دولت برای بهبود توزیع منابع در اقتصاد سرمایه داری تاکید کرد.
- ▶ قوت گرفتن رویکردهای اقتصاد اثباتی در اواسط قرن بیستم موجب شد تحلیل های ارزشی در اقتصاد دوباره به حاشیه بروند. این پدیده تحت تاثیر قوت گرفتن مکتب پولی فریدمن ، ارایه نظریه انتظارات عقلایی موث و سرانجام شکل گیری مکتب اقتصادی کلاسیک جدید در اواخر قرن بیستم بود.
- ▶ در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی تلاش هایی جهت ورود دغدغه های اخلاقی و اجتماعی در قالب مکتب اقتصادی بازار اجتماعی در کشورهای اروپایی صورت گرفت. در چند دهه اخیر ، مباحث اخلاق کاربردی اقتصادی در قالب گرایش نوظهور اخلاق تجارت یا اخلاق کسب و کار گسترش یافته است



رابطه اخلاق و اقتصاد الف. از رابطه نهاد اخلاق و اقتصاد تا تعامل دانش اخلاق و اقتصاد

- ▶ رابطه اخلاق و اقتصاد در دو سطح رابطه دانش اخلاق و اقتصاد و رابطه نهاد اخلاق و اقتصاد قابل بررسی است.
- ▶ سطح اول بررسی ، به رابطه متقابل دو **حوزه مطالعاتی اخلاق و اقتصاد** اختصاص دارد؛ که مطالعه درجه دوم رابطه بین این دو دانش است. براساس مطالعات انجام شده ، تعامل دو دانش اخلاق و اقتصاد به بهبود هر دو دانش کمک کرده است.
- ▶ سطح دوم مطالعه نیزناظر به **عینیت** دو نهاد اخلاق و اقتصاد است. در این مطالعه، دو بحث عمده رابطه کارکردی دو نهاد اخلاق و اقتصاد و همچنین چگونگی تاثیرگذاری ارزش گذاری های اخلاقی بر رفتار اقتصادی و برعکس مطرح می شود.
- ▶ توجه اقتصاددانان به متغیر های اخلاقی به آنان کمک میکند تا یاد بگیرند که ابعاد اخلاقی زندگی مردم چگونه بر رفتار اقتصادی آنها اثر می گذارد. برای نمونه، تصمیم گیری افراد درمورد انتخاب بین حفاظت از محیط زیست و رشد اقتصادی به هنجارهای اخلاقی پذیرفته در جامعه وابسته است. البته ابعاد اخلاقی در پاره ای از موارد تاثیر اندکی بر انتخاب دارد. به طور نمونه ، پیش بینی قیمت ارز وابستگی کمی به دیدگاه های اخلاقی افراد دارد.



رابطه اخلاق و اقتصاد الف. از رابطه نهاد اخلاق و اقتصاد تا تعامل دانش اخلاق و اقتصاد

▶ هاسمن و مک فرسون (۲۰۰۶) برای بیان چگونگی کمک مباحث اخلاقی به اقتصاد به پیشنهاد عجیبی اشاره می کنند که در دسامبر ۱۹۹۱، توسط لارنس سامرز، اقتصاددان مشهور بانک جهانی، مطرح شد. وی توصیه کرد که بانک جهانی مشوق انتقال بیشتر صنایع آلاینده به کشورهای کمتر توسعه یافته باشد. استدلال او بر این پیشنهاد مبتنی بر رویکرد هزینه - فایده در چارچوب نظریه اخلاقی هنجاری مطلوبیت گرایی بود. از نگاه او هرچند انتقال صنایع آلاینده به کشورهای کمتر توسعه یافته باعث افزایش هزینه های مردم این کشورها می شود، ولی کشورهای توسعه یافته در مقابل ، مبلغی جبرانی به مردم کشورهای کمتر توسعه یافته پرداخت می کنند.



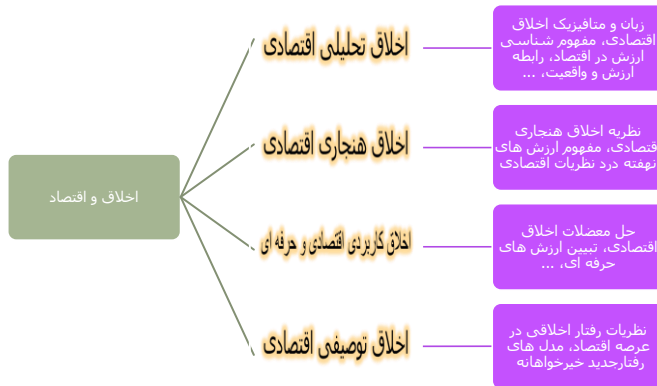
از نظر هاسمن و مک فرسون توجه به مباحث دانش اخلاق می تواند به اقتصاد دانان کمک کند که دچار اشتباه در توصیه سیاست های اقتصادی نشوند. از نگاه آنها ، توصیه به ظاهر موجه سامرز مبتنی بر یک ارزش داورى مطلوبیت گرایانه قابل مناقشه است.

برخلاف ادعای مطرح شده ، انتقال صنایع آلاینده به کشورهای فقیر میزان کل آلودگی جهانی را افزایش می دهد؛ منافع اقتصادی این گونه صنایع خسارت های ناشی از آن را جبران نخواهد کرد؛ مبادله موردنظر حتی اگر به نفع دوطرف باشد با توجه به نابرابری موقعیت های چانه زنی کشورهای فقیر و غنی غیرمنصفانه است؛ کشورهای کمتر توسعه یافته ، انگیزه کمتری برای مهار آلودگی دارند و انتقال صنایع آلاینده به کشورهای کمتر توسعه یافته آنها را واقعا در وضعیت بهتری قرار نمی دهد.



زمینه های مطالعاتی اخلاق و اقتصاد

گسترش مطالعات اخلاق و اقتصاد، در عرصه های مختلف می تواند به فهم بهتر مبانی ارزش شناختی نظریات اقتصادی کمک کند. این مطالعات را میتوان در چهار زمینه تقسیم بندی کرد



اول : اخلاق تحلیلی اقتصادی: اخلاق تحلیلی اقتصادی یا فرا- اخلاق اقتصادی به بررسی رویکرد اقتصاددانان به برخی مباحث فرا-اخلاقی در زمینه هایی همچون ماهیت ارزش اخلاقی ، واقعی بودن ارزش، اثبات پذیر بودن ارزش، تفکیک ارزش های ذاتی و غیره و رابطه بین انواع ارزش می پردازد.

دوم : اخلاق هنجاری اقتصادی: اخلاق هنجاری اقتصادی به تبیین ارزش های اخلاقی در زمینه های گوناگون از جمله اخلاق مصرف، تولید و توزیع می پردازد. اقتصاد دانان برای ارزیابی سیاست ها و موقعیت های اقتصادی رویکردهای اخلاق هنجاری مختلفی را پذیرفته اند. پیامدگرایی مطلوبیت محور اقتصاد رفاه، قراردادگرایی حق محور جان رالز، و پیامدگرایی کمال محور آمارتیا سن سه رویکرد قابل توجه هستند.

سوم : اخلاق کاربردی اقتصادی و حرفه ای : اخلاق کاربردی اقتصادی ناظر به کاربرد نظریه های اخلاق هنجاری در زمینه مسایل و معضلات اخلاق اقتصادی به ویژه در موقعیت های پیچیده امروزی است. یکی از چالشی ترین مباحث این حوزه مطالعاتی ، تجزیه و تحلیل تنگناها و تراحم های اخلاقی در فضای تعاملات اقتصادی است. سوالاتی نظیر: آیا تاجران حق دارند در شرایط تورمی محصولاتی که قبلا ارزان خریدند را به قیمت بالا بفروشند؟ بودجه دولت را بر اساس کارایی یا بر اساس عدالت بین مناطق توزیع کنیم؟

چهارم : اخلاق توصیفی اقتصادی : اخلاق توصیفی اقتصادی به تبیین رفتارهای اخلاقی عاملان اقتصادی می پردازد. تدوین شاخص های اخلاق اقتصادی مثل شاخص کم فروشی در این حوزه جای میگیرد





مفهوم شناسی ارزش و سنخ شناسی کاربردی های آن در اقتصاد

تبیین مفهوم ارزش در اقتصاد و ارتباط آن با مفهوم ارزش در اخلاق یکی از مباحث محوری ارزش شناسی اقتصاد (اخلاق تحلیلی اقتصادی / فرا-اخلاق اقتصادی) است. تعیین رابطه این مفهوم با مفاهیمی همچون مطلوبیت میتواند زاویه نگاه اقتصاددانان به مفهوم ارزش را منعکس کند.

این مفهوم در قالب اصطلاحاتی همچون «ارزش مبادله ای» و «ارزش مصرفی» به صورت صریح استفاده شده است. ارزش اخلاقی نیز به صورت ضمنی مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفته زیرا آنگاه مجبور به ارزش داوری نسبت به وضعیت ها و سیاست های اقتصادی میشوند. اقتصاددانان حتی از مفاهیم حاکی از ارزش اخلاقی برای ارزیابی مبادله ای نیز استفاده میکنند.

دقت سنجی فیلسوفان در مورد کاربرد های ارزش در علوم مختلف از جمله اقتصاد به فهم بهتر مراد آنها از این مفهوم کمک میکند.



مفهوم شناسی ارزش و سنخ شناسی کاربردی های آن در اقتصاد معانی مختلف ارزش:

برخی فیلسوفان معانی مختلف ارزش همچون قیمت، خوبی، و حسن را حاکی از کاربرد های مختلف این واژه میدانند. از نگاه آنان ارزش به معنای امر پسندیده و مورد ستایش است. واژه خوب برای توصیف امور ارزشمند به کار میرود که یا به خودی خود پسندیده است یا برای هدفی مفیدند.

برخی فیلسوفان با طرح نظریه گرایشی ارزش، ارزش را به مفهوم «چیزی که به گروه مناسبی تعلق دارد و در شرایط آرزمانی، به ارزشمند بودن آن گرایش داریم» تعریف کرده اند. بر اساس این رویکرد ما همه میل ها را ارزشمند نمیشماریم.

بر اساس تعریفی دیگر، ارزش های یک فرد همان ترجیحات باثبات او درباره مسیر زندگی اش میباشد که دست کم تا حدی از تایید او برخوردارند.



مفهوم شناسایی ارزش و سنجش شناسایی کاربردی های آن در اقتصاد معانی مختلف ارزش:

در کاربرد های اقتصاددانان تقارب معنایی زیادی بین ارزش و مطلوبیت وجود دارد. وقتی از ارزش مصرفی کالا یا خدمتی سخن گفته میشود، مطلوب بودن آن و توانش برای برطرف کردن نیاز ها مورد نظر است. در این حالت، ارزش به معنای مفید بودن و ارضای امیال آمده است.

از نظر پژوهشگران مباحث ارزش شناسایی، اینکه افراد امیال خود را ارزش داوری میکنند، بدین معناست که همه میل هایشان را ارزشمند میدانند. برخی پژوهشگران با وجود ایجاد پیوند بین ارزش و میل (ترجیحات)، قیود خاصی برای دومی مطرح میکنند. برای نمونه دیوید کاپ، ارزشهای یک فرد را ترجیحات باثبات و مورد تایید او میداند. این بدین معناست که درمورد ارزش، فرد میلی برای نداشتن آن میل (ترجیح ثانویه) ندارد.

به نظر پژوهشگران، اینکه افراد ممکن است میل داشته باشند که میلی را نداشته باشند، شواهدی بر ارزش داوری امیال است.

همچون دیوید لوئیس، ارزشمند شمردن چیزی را به منزله میل به خواستن آن میدانند، اما معتقدند ارزشمند دانستن چیزی ممکن است یک احساس، باور یا ترکیبی از آنها باشد. به نظر آنها ارزشمند شمردن چیزی دقیقاً به معنای خواستن آن نیست. معنادارندیشمند ممکن است نشئه لذت بخش خود را بخواهد؛ ولی آن را ارزشمند نداند. او نشئه خود را میخواهد ولی نمیخواهد چنین خواسته ای داشته باشد.



انواع ارزش در اقتصاد

ارزش اقتصادی:

ارزش مصرفی: لذت بخش، دارای فایده، تأمین کننده نیاز مصرفی.
ارزش مبادله ای: دارای بهای اجتماعی: در مقابل آن پول یا کالایی میپردازند.

ارزش اخلاقی:

ارزش ذاتی: خوب بودن از نظر اخلاقی مانند خوب بودن عدالت
ارزش ابزاری: خوب بودن یک سیاست اقتصادی به واسطه تأمین ارزش ذاتی (عدالت)



کانال ورود ارزش در نظریات اقتصادی

برخی اقتصاددانان با استناد به تفکیک اقتصاد هنجاری و اثباتی، ادعا کردند که مسائل واقعیت و ارزش نه تنها قابل تفکیک اند، بلکه از یکدیگر مستقل میباشند.

ادعای ارزش خنثی بودن اقتصاد حتی در مورد اقتصاد اثباتی با چالش رو به رو است در اقتصاد اثباتی که به تبیین و پیش بینی واقعیت اقتصادی می پردازد، در عمل ارزش های محقق در تعیین موضوع و انتخاب نظریه و همچنین چارچوب نهادی اثرگذار بر تحلیل اثباتی موثر است. در اقتصاد هنجاری نیز ارزشها محور بحث و تحلیل است و بر مبنای آن توصیه ساختار و سیاست صورت میگیرد.

از نظر **میردال** در اقتصاد هیچ اظهار نظر مبتنی بر امور واقعی نداریم که از نظر اخلاقی بی طرف باشد.

بلاگ این ادعا را با ذکر مثالی نقد میکند. به نظر او، وقتی می گوئیم کشش تقاضای واردات اتومبیل در سالی مشخص فلان مقدار است، این رقم صرف نظر از خواسته من با شما صادق یا کاذب است. ادعای بلاگ در مورد امکان داشتن گزاره اثباتی محض به معنای عدم اثر پذیری تمامی گزاره های اقتصاد اثباتی از ارزش ها نیست.



کانال ورود ارزش در نظریات اقتصادی

از نظر مک لاپ، ارزش های تصمیم گیرندگان اقتصادی و سیاسی، ارزشهای مشتریان اقتصاددانان، و ارزش های خود اقتصاددانان بر نظریات اقتصادی اثر میگذارند.

بعنوان مثال: هنگامی که اقتصاددانان از بهینه پرتو دفاع می کنند و سیاست ها را براساس تأثیر آنها بر مطلوبیت اکثریت افراد جامعه قضاوت می کنند، این دیدگاه تحت تأثیر پذیرش رویکرد مطلوبیت گرایی قرار دارد. همان گونه که هنگام بحث از ورود ارزش ها در اقتصاد رفاه خواهیم گفت، پذیرش دیگر مکاتب اخلاق هنجاری همچون وظیفه گرایی، فضیلت گرایی و حق گرایی می تواند باعث تغییر در ارزش دآوری اقتصاددانان نسبت به وضعیت ها و سیاستهای اقتصادی شود.



کانال ورود ارزش در نظریات اقتصادی

به نظر **میلتون فریدمن** (۱۹۵۳)، اقتصاددانان و سیاستمداران اختلاف چندانی در مورد ارزشها ندارند، بیشتر اختلاف آنها در مورد راه ها و ابزارهای رسیدن به اهداف است.

ولی باید بدانیم که اقتصاددانان و سیاستمداران در مورد استانداردهای رفتاری و تعریف ارزشهایی همون عدالت و کارایی و اولویت بندی آنها اختلاف دارند.

این سوال مطرح است که در برنامه ریزی توسعه، عدالت یا رشد را هدف گذاری کنیم؟ ویا در تعریف عدالت و اینکه مثلا سهم مدیران و کارگران از بودجه دولتی چقدر است، میان آنان توافق چندانی نیست.

مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد

نظریات ارزش در **اقتصاد متعارف** به طور عمده ناظر به **ارزش بازاری** یا **قیمت** است. اقتصاددانان به دنبال پاسخ به این سوال که چگونه قیمت کالاها و خدمات تعیین میشود، نظریه ارزش را گسترش دادند. **معمای آب و الماس**، اقتصاددانان را درگیر ناهماهنگی بین **ارزش مبادله ای** و **مصرفی** کرد.

رویکرد **طبیعت گرایی** در اقتصاد باعث شد که بحث از قیمت عادلانه در قالب بحث از قوانین طبیعی پنهان شود. پیش از طبیعت گرایان و کلاسیکها، بحث از قیمت عادلانه با رویکردی هنجاری ارائه میشد. برای نمونه، سنت توماس آکویناس عقیده داشت ارزش باید از سوی خداوند تعیین شود؛ اما از آنجا که قیمت ها توسط انسان ها تعیین می شوند، پس ممکن است قیمت یک کالا با ارزش آن تفاوت داشته باشد و به وضع قیمت ناعادلانه منجر شود.

آدام اسمیت پس از تفکیک بین ارزش مصرفی و بازاری و اشاره به معمای آب و الماس، از **قیمت طبیعی** سخن میگوید. به نظر او، قیمت طبیعی می تواند بالاتر، پایین تر و یا مساوی قیمت بالفعل بازاری یک کالا باشد.

مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد

در نگاه اسمیت، قیمت بازاری هر کالای خاص در نتیجه عرضه و تقاضا تعیین میشود که از نظر او برابر با مجموع ارزش اجاره، دستمزد و سود پرداختی برای تولید آن است. **اسمیت** به این نتیجه رسید که **کار** تنها معیار عام قابل استفاده برای سنجش ارزش کالاهاست.

طی دهه ۱۸۷۰، اقتصاددانان **نئوکلاسیک** استدلال کردند که ارزش مبادله ای یک کالا براساس هزینه های آن تعیین نمیشود؛ بلکه به واسطه مطلوبیت آخرین واحد مصرف شده از آن (**مطلوبیت نهایی**) تعیین می شود.

در ادامه مارشال به عنوان یکی از برجسته ترین عضو مکتب نئوکلاسیک، نظریه ارزش براساس **کار کلاسیک** ها و ارزش بر مبنای **مطلوبیت نئوکلاسیک** ها را ترکیب کرد. به نظر او **مطلوبیت و هزینه تولید** (و به عبارتی عرضه و تقاضا) به صورت هم زمان همچون دو تیغه یک قیچی در تعیین ارزش نقش دارند.

در نظریات اقتصادی افزون بر عدالت، مفاهیم ارزشی دیگری همچون رفاه، کارایی، و آزادی نیز نهفته است. تحلیل جهت گیری ضمنی اقتصاددانان نسبت به این مفاهیم میتواند رویکرد ارزشی آنها را آشکار کند.

مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد (الف) رفاه

- ▶ یکی از پرسش‌های محوری در فلسفه اخلاق تعیین چیزی است که برای انسان ارزش ذاتی دارد. طرفداران مکتب مطلوبیت گرایی، رفاه یا خوشبختی افراد را به عنوان ارزش محوری معرفی می‌کنند.
- ▶ اقتصاددانان به واسطه تمایل زیاد به دیدگاه لذت گرایی، مکتبی که در آن خیر و خوبی مساوی با حالت های ذهنی ای همچون لذت یا خوشی گرفته می‌شود، رفاه را به مفاهیم ذهنی همچون لذت و مطلوبیت گره می‌زنند.
- ▶ بیشتر اقتصاددانان، رفاه را مترادف با برآورده شدن ترجیحات می دانند. از نظر آنان، برآورده شدن ترجیحات به مفهوم افزایش رفاه است. آنها فرض می کنند که افراد رتبه بندی کاملی از ترجیحات دارند، ترجیحات شان خودخواهانه است و از اطلاعات کامل برخوردارند.

مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد (ب) کارایی

در اقتصاد متعارف کارایی به عنوان ابزاری برای ارزیابی تاثیر سیاست‌های اقتصادی بر رفاه "به معنای تامین ترجیحات" استفاده می شود. از نظر آنها کارایی زمانی تحقق می یابد که غیرممکن باشد وضع کسی "بر حسب تحقق ترجیحات" بهتر شود، بدون آنکه وضع دیگری بدتر شود. از چنین حالتی به عنوان **بهینه پرتو** یاد می شود.

در این تعریف، کارایی بر اساس برآورده شدن ترجیحات و نه کمینه سازی میزان نهاده مورد نیاز برای تولید یک واحد از محصول و یا سایر تعاریف فنی کارایی تعریف شده است.

اقتصاددانان برای کمی کردن مفهوم کارایی پرتو از **تحلیل هزینه-فایده** سیاست ها و مفهوم تمایل به پرداخت استفاده می کنند. بر این اساس، اگر اجرای یک سیاست برندگان و بازندگانی داشته باشد، محاسبه هزینه-فایده را می توان در قالب مبلغی اندازه گیری کرد که زیان دیدگان برای موافقت با آن حاضر به دریافت می باشند.

استفاده از بهینه پارتو برای سنجش کارایی بصورت ضمنی مستلزم پذیرش **اصل حداقل خیرخواهی** بعنوان نوعی ارزشداوری اخلاقی است.

مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد (ج) آزادی

▶ بحث از چیستی آزادی، ارزش اخلاقی آن و نسبت آن با دیگر ارزش‌ها یکی از مباحث مهم در ارزش شناسی اقتصاد است. آزادی، مفهومی وسیع‌تر از برداشت ظاهری از آن دارد. آزادی اقتصادی تنها این نیست که خرید و فروش یک کالا منع قانونی نداشته باشد؛ اگر فرد پولی را برای خریدن این کالا نداشته باشد نیز در عمل آزاد نیست. از این دو نوع آزادی با عنوان آزادی منفی و مثبت یاد شده است.

▶ **آزادی منفی** حاکی از عدم وجود قیود قانونی است. **آزادی مثبت** ناظر به توانمندی فرد برای استفاده از اختیاراتش دارد.

▶ گاه از **آزادی اخلاقی** هم سخن میگویند. **رسو** آزادی اخلاقی را به مفهوم توانایی فرد برای کنترل شهوات خود میدانند.

مفاهیم پایه ارزشی در اقتصاد (ج) عدالت و برابری

- ▶ عدالت و برابری از جمله مفاهیم ارزشی مهم در ارزیابی وضعیت ها و سیاست های اقتصادی به شمار می‌روند. اختلاف اقتصاددانان در برداشت از مفهوم عدالت و برابری باعث توصیه‌های سیاستی متفاوتی شده است.
- ▶ برای نمونه، در نظریات دولت رفاه، نابرابری به عنوان مهمترین توجیه دخالت دولت در بازار قلمداد می‌شود و برنامه‌های دولت رفاه با هدف کم کردن نابرابری درآمد تدوین می‌شود.
- ▶ برخی برای برابری اقتصادی ارزش ذاتی و گروهی ارزشی ایزاری قائلند. برخی نابرابری اقتصادی را بدین دلیل نامطلوب می‌دانند که ممکن است به ناملایماتی مانند فقر گسترده، بی‌ثباتی اجتماعی و استعمار سیاسی بیانجامد. در مقابل، گروهی معتقدند که بنا به شهود اخلاقی، برابری ارزشی ذاتی دارد.
- ▶ **جان رالز** به **نیازهای پایه** و **تامین آن** برای کم برخوردارها قائل است و **آمارتیا سن** و **مارتا ناسیام** با توجه به تعریف عدالت در مفهوم **توانمندی افراد در بهره مندی از امکانات** نگاه جدیدی را به حقوق افراد ناتوان در برنامه های اجتماعی ایجاد کرده است.

ارزشهای نهفته در نظریه عرضه و تقاضا

نظریه عرضه و تقاضا به عنوان دو نظریه محوری در اقتصاد خرد، ارزش خنثی نیستند. نظریه تقاضا بیان کننده رابطه بین میزان تقاضا و متغیرهایی همچون سطح قیمت، میزان درآمد، سلیقه، قیمت کالاهای جانشین و مکمل می‌باشد. نظریه عرضه نیز بیان کننده رابطه بین میزان عرضه و متغیرهایی همانند سطح قیمت کالا، قیمت نهاده‌ها و عوامل فنی است. در این دو نظریه، عقلانیت به مثابه یک فرض ارزشی ظاهر می‌شود. این فرض باعث شکل‌گیری تلقی خاصی نسبت به خود گروهی و دیگر گروهی می‌شود.

ارزشهای نهفته در نظریه عرضه و تقاضا عقلانیت اقتصادی به مثابه یک فرض ارزشی

- ▶ اقتصاددانان هنگام تحلیل انتخاب‌ها در اقتصاد خرد، از جمله در نظریه تقاضا و عرضه، از فرض عقلانیت اقتصادی استفاده می‌کنند. آنان فرض می‌کنند افراد به شکلی عقلایی تصمیم می‌گیرند. هرچند این فرض بیانی توصیفی دارد؛ ولی حاکی از نوعی هنجار رفتاری است. از نظر **هاسمن و مک فرسون** (۲۰۰۶)، عقلانیت پیش فرضی است که به شکل یک اسب تراوا ارزش‌ها و تعهدات اخلاقی را مخفیانه وارد دژ اقتصاد اثباتی می‌کند.
- ▶ نتیجه ای که اقتصاددانان با فرض عقلانیت کامل عاملان اقتصادی و کارکرد شفافیت اطلاعات در بازار رقابتی می‌گیرند، کامل نیست. آنان فرض می‌کنند افراد از اطلاعات کامل برخوردارند و می‌دانند انتخاب هر گزینه ای چه میزان ترجیحات آنها را برآورده می‌کند. این در حالی است که اطلاعات افراد کامل نیست. افراد در شرایط نااطمینانی حتی قادر به رتبه بندی گزینه ها نیستند. از سوی دیگر، توان افراد در فضای تعاملات اقتصادی یکسان نیست. از این رو ممکن است نتیجه نهایی تعامل افراد بهینه پرتویی باشد، ولی عادلانه نباشد و به همین دلیل ثبات سایر شرایط نقض می‌شود.
- ▶ **آمارتیا سن** معتقد است: اینکه هرگونه انحرافی از بیشینه سازی نفع شخصی را غیر عقلایی بدانیم مستلزم طرد نقش اخلاق در تصمیمگیری های واقعیست. او چنین دیدگاهی را **خود پرستی اخلاقی** می‌داند.
- ▶ به نظر **سن** شواهد نشان از آن است که پرهیز از اتخاذ رفتار معطوف به نفع شخصی به نفع ادای تکلیف، وفاداری و حسن نیت، سهم زیادی در موفقیت ژاپن داشته است.

ارزشهای نهفته در نظریه عرضه و تقاضا تقابل خودگرایی و دیگرگرایی

- ▶ یکی از مباحث چالش برانگیز در اقتصاد خرد تفسیر رفتارهای اخلاقی عام المنفعه و دیگر گروانه افراد است. پرسش این است که آیا این رفتارها ریشه در تمایلات خود خواهانه افراد دارد و یا انگیزش اخلاقی افراد آنان را به این امور برمی انگیزاند؟
- ▶ **دیوید هیوم** منشاء آنرا امیال (دیدگاه انگیزش میل محور) می‌داند و **کانت** منشاء آن را عقل (دیدگاه انگیزش عقل محور) می‌داند.
- ▶ اختلافات موجود در تفسیر رفتارهای عام المنفعه، به اختلاف درباره امکان وجود امیال غای دیگر گرایانه "خیر خواهانه" در کنار امیال غایی خود محورانه برمی گردد. مراد از امیال غایی دیگر گرایانه، میل و دغدغه اصیل درباره منافع دیگران است؛ میلی که به میلهای خودمحورانه بر نگردد.
- ▶ بنا به ادعای طرفداران نظریه خودگرایی روان شناختی، تمام انگیزه های رفتاری افراد سرانجام خود خواهانه یا خودمحور می باشند. آنها تمایل به منفعت رسانی به دیگران "امیال دیگر گرایانه، خیر خواهانه" را در نهایت تمایلی خودخواهانه می‌دانند.
- ▶ در مقابل، منتقدان نظریه خودگرایی روان شناختی مدعی اند انسان ها افزون بر داشتن امیال غایی خودمحورانه، امیال غایی دیگر گرایانه مستقل از میل به خود نیز دارند. از این رویکرد با عنوان **کثرت گرایی انگیزشی** یاد شده است.

ارزشهای نهفته در نظریه عرضه و تقاضا تاکید بر دست نامرئی و غفلت از دست نامرئی اخلاق

- ▶ در نظریات اقتصادی و از جمله در نظریات اقتصاد خرد به واسطه توجه بیش از حد به کارکرد دست نامرئی بازار از نقش و کارکرد دست نامرئی اخلاق غفلت می‌شود. برخی اقتصاددانان به نقش برجسته اخلاق در کارکرد نظام اقتصادی توجه کرده اند.
- ▶ **کارکرد دست نامرئی بازار را می‌توان به کارکرد مناسب دست نامرئی اخلاق نیز وابسته دانست.** در پیشینه اقتصاد متعارف به طور عمده استدلال می‌شود که وقتی افراد آزادانه در پی نفع شخصی خود باشند، آنان در نتیجه، نفع جمع را نیز تامین خواهند کرد؛ ولی سخنی از این به میان نمی‌آید که افراد **حقوق دیگران** را به رسمیت شمرده و نسبت به اموال دیگران دست اندازی نمی‌کنند.
- ▶ نهادینه شدن ارزش های اخلاقی در اقتصاد صرف نظر از آثار اجتماعی و فرهنگی اش، موجب کاهش هزینه مبادله، افزایش سرمایه اجتماعی، افزایش شفافیت در بازار و افزایش کارایی می‌شود. نتیجه این امر به حداقل رسیدن پیامدهای ناشی از اصالت نفع شخصی و مقابله با شکست بازار از طریق شکل دهی انگیزه‌های مردم است.

ارزش های نهفته در نظریه بازار رقابت کامل (آزادی-کارایی-عدالت)

- ▶ بازار رقابت کامل یکی از مدل های ایده آل در اقتصاد خرد است. بازار رقابت کامل از این جهت ایدئال تلقی می‌شود که تصمیم های یک تولیدکننده مصرف کننده تاثیر محسوسه‌ای بر قیمت بازار و رفتار دیگر تولیدکنندگان و مصرف کنندگان ندارد. در نتیجه نیروهای بازار مقدار محصول و قیمت آن را در سطح بهینه تعیین می‌کند. در چنین بازاری اضافه رفاه کل (اضافه رفاه تولیدکننده و مصرف کننده بیشترین میزان ممکن است).
- ▶ در نظریه بازار رقابت کامل، برداشت خاصی نسبت به مفاهیم ارزشی همچون **آزادی اقتصادی، کارایی و عدالت** مطرح است. در این نظریه، **آزادی** اقتصادی امری مطلوب قلمداد می‌شود؛ زیرا باعث تقویت رقابت بین افراد و در نتیجه افزایش میزان محصول تولیدی و کاهش قیمت ها می‌شود.
- ▶ در نظریه بازار رقابت کامل **کارایی** به مفهوم تولید بیشترین میزان با کمترین هزینه است. در این نقطه، قیمت برابر با هزینه نهایی بلند مدت و حداقل هزینه متوسط بلند مدت بنگاه است.
- ▶ نتیجه عملکرد بازار رقابت کامل **عدالانه** تلقی می‌شود؛ زیرا هر یک از عوامل تولید به میزان کارایی نهایی خود از محصول تولیدی سهم می‌برند. در چنین بازاری سود مازاد وجود ندارد.

ارزش های نهفته در نظریه بازار رقابت کامل (آزادی-کارایی-عدالت) ابهامات

- ▶ اینکه نتایج بازار رقابت کامل محصول رقابت عادلانه عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان باشد، با ابهام هایی روبرو است. فرض قیمت پذیری شرکت کنندگان در این بازار مستلزم تعدد و کوچک بودن عرضه کنندگان و تقاضاکنندگان فعال در هر بازار است. این فرض متوقف بر فرض توزیع درآمد یکسان برای همه افراد است؛ در غیر این صورت، برخی از بنگاهها می توانند بر وسعت خود بیفزایند و سهم قابل توجهی از بازار را در دست گیرند؛ به طوری که تصمیم های آنها در تعیین قیمت موثر باشد.
- ▶ چمبرلین در مورد آزادی ورود موسسه های تولیدی به بازار و خروج از آن و این ادعا که تولیدکنندگان انفرادی نمی توانند بر قیمت های بازار تأثیر داشته باشند، ابراز تردید کرده است.
- ▶ اینکه بازار آزاد بتواند به تحقق همزمان کارایی و عدالت بینجامد نیز با تردیدهایی روبه رو است. در این نظریه، تحقق کارایی و عدالت به کارکرد قیمت ها میبندد می شود. لکن گروهی که پول بیشتری در اختیار دارند، پیام قوی تری به عرضه کنندگان ارسال می کنند. بنابر این آنان هستند که درعمل نوع و مقدار کالای تولیدی را تعیین می کنند. این سازوکار نه تنها نابرابری های درآمدی موجود را مشروع می کند، بلکه آن را همیشگی و پایدار خواهد کرد. بر این اساس، منابع جامعه به سمت کالایی جریان می یابد که نزد صاحبان پول و ثروت مطلوب جلوه کند.
- ▶ تاریخ اقتصادی بسیاری از کشورهای حامی بازار آزاد نشان میدهد که دولت ها مجبور به مداخله در بازار به منظور جبران موارد متعدد شکست بازار شده اند.

ارزش های نهفته در نظریه بازار رقابت کامل (آزادی-کارایی-عدالت) ابهامات

- ▶ از نگاه **سیسموندی** «کوشش برای ارزان تمام کردن کالاها، کارفرمایان را وادار می کند که همه جا صرفه جویی کنند؛ نه تنها در اشیا، بلکه در اشخاص هم....»
- ▶ به نظر **لویی بدن**، در شرایط رقابت کارفرمایان به منظور تقلیل هزینه های تولید از مزد کارگران می کاهند، ماشین را جایگزین کار می سازند. این وضع باعث از بین رفتن کارخانه های کوچک می شود و رقابت کم کم رقابت را از بین برده، شرایط انحصار به وجود می آورد.
- ▶ در واقع، تولیدکنندگان با استفاده از **تبلیغات** بازرگانی سلیقه های مصرف کنندگان را شکل می دهند. در این صورت، تنها ارزش های مصرف کنندگان تعیین کننده مقدار و قیمت تعادلی نیست؛ بلکه ارزش های تولیدکنندگان و صاحبان بنگاه های بزرگ نیز دخیل است. براین اساس، نمی توان پذیرفت که نتایج بازار رقابت کامل رفاه مصرف کنندگان را بیشینه می کند؛ بلکه محصول این بازار می تواند رفاه ثروتمندان را بیشینه کند. این امر ادعاهای مطرح شده در مورد **بهینگی** نتایج بازار رقابت کامل را با **تردید** روبه رو می کند.

ارزش های نهفته در اقتصاد رفاه

- ▶ کارکرد اقتصاد رفاه در ارزیابی موقعیت ها و سیاست های اقتصادی، اقتصاددانان را مجبور به ارزش داوری می کند.
- ▶ با وجود این، اقتصاددانان تمایل دارند تحلیل ها و توصیه های اقتصاد رفاه را عاری از ارزش داوری جلوه دهند. این در حالی است که اقتصاد رفاه از یک سو بر مکتب اخلاقی مطلوبیت گرایی و از سوی دیگر بر برداشت های خاصی نسبت به ارزش هایی همچون کارایی و عدالت استوار است. این بدان معناست که اقتصاددانان رویکرد ارزشی خود را در ارزیابی وضعیت ها و سیاست های اقتصادی دخالت می دهند.
- ▶ اقتصاددانان رفاه برای **ارزیابی وضعیت ها و سیاست ها** و توصیه به آنها، اقدام به رتبه بندی شقوق مختلف این موقعیت ها می کنند. آنان بدین وسیله امکان می یابند تا همه موقعیت ها را مقایسه و هرکدام را به عنوان بهتر، بدتر یا برابر با موقعیت دیگر درجه بندی کنند. درجه بندی وضعیت های اجتماعی ناگزیر متضمن قضاوت ارزشی است.
- ▶ بخش زیادی از اقتصاد رفاه مبتنی بر **مفهوم ارزشی کارایی** است. این مفهوم برای رتبه بندی وضعیت های اجتماعی استفاده میشود. مفهوم کارایی اقتصادی متضمن دو قضاوت ارزشی عمده است: نخست، **رتبه بندی اجتماعی** دوم، قضاوت ارزشی که به صورت گسترده پذیرفته شده، **اصل پارتو** است.

ارزش های نهفته در اقتصاد رفاه

- ▶ اقتصاددانان رفاه در حوزه توصیف و اندازه گیری پدیده های اقتصادی و اجتماعی نیز درگیر ارزش داوری می شود. آنان برای سنجش نابرابری و فقر باید مفهوم مشخصی از آن ارائه دهند. و این سنجش را بدون آشکار شدن **معنای حقوق، آزادی و فرصت** به سختی می توان انجام داد.
- ▶ مباحث اقتصاد رفاه در دو حوزه نظری و کاربردی بسط یافته است. **اقتصاد رفاه نظری** به شرایط لازم برای نیل به وضعیت بهینه پرتو می پردازد. در **اقتصاد رفاه کاربردی** چگونگی تصمیم گیری و گزینش از میان بدیل های عینی بررسی می شود. اقتصاد رفاه کاربردی برای ارزیابی وضعیت ها و توصیه سیاست، در عمل از مباحث نظری بهینه پرتو فاصله گرفته و روش تحلیل هزینه-فایده را گسترش داده است.

ارزش های نهفته در اقتصاد رفاه

- ▶ برخی اقتصاددانان تلاش می کنند تا منکر لزوم قضاوت ارزشی در زمینه توزیع شوند. به نظر آنها اگر اقتصاد درگیر داور ارزشی شود، غیرعلمی می شود؛ آنها تلاش می کنند تا **بدون بال پرواز** کنند. این در حالی است که اقتصاد رفاه به حوزه اقتصاد دستوری تعلق دارد. اقتصاد رفاه شاخه ای نظری از علم اقتصاد است که همه تخصیص های ممکن از منابع تولیدی، **رتبه بندی و انتخاب بهترین تخصیص** را مورد بحث قرار می دهد. به عبارتی دیگر، داور در مورد اینکه تخصیص منابع صورت گرفته کارا یا ناکارا است و اینکه فرآیند بیشینه کردن رفاه اقتصادی جامعه چگونه باید صورت گیرد، از مباحث اقتصاد رفاه است.
- ▶ مباحث **لیارد و والترز** در کتاب اقتصاد خرد با اقتصاد رفاه آغاز می شود. آنان در ابتدا متذکر می شوند که قسمت عمده کتابشان در مورد اقتصاد اثباتی است؛ ولی یکی از اهداف اقتصاد اثباتی را کشف حقایق مربوط به سیاست عمومی می دانند.
- ▶ آنان می نویسند: «برای استخراج نتایج سیاستی از این حقایق به نظریه دستوری نیاز داریم.

مطلوبیت گرایی به مثابه مکتب اخلاقی اقتصادرفاه

- ▶ پذیرش هر کدام از مکاتب اخلاق هنجاری همچون **نتیجه گرایی، وظیفه گرایی، فضیلت گرایی و قراردادگرایی** می تواند ارزش داورهای اقتصاددانان در زمینه وضعیت ها و سیاستهای اقتصادی را متاثر کند.
- ▶ مکاتب اخلاق هنجاری دیدگاه های متفاوتی در مورد خوب و بد (صواب و خطا) دارند. از نگاه **نتیجه گرایان**، ارزش داور اخلاقی وابسته به سود یا خیری است که در ورای فعل اخلاقی موجود است.
- ▶ **وظیفه گرایان** معیار صواب و خطای اخلاقی را وظیفه میدانند.
- ▶ **فضیلت گرایان** نیز معیار صواب و خطای اخلاقی را فضایل و رذایل قرار می دهند. **قراردادگرایان** نیز معیار صواب و خطای اخلاقی را قراردادهای اجتماعی می دانند.
- ▶ اقتصاددانان به طور معمول به **نتیجه گرایی** تمایل دارند و از رویکرد **مطلوبیت گرایی** دفاع می کنند. این رویکرد به سودگروی لذت گرایانه نزدیک است؛ هرچند که اقتصاددانان گاه از پذیرش **مطلوبیت مفهومی** فراتر از لذت را قصد می کنند.

مطلوبیت گرایی به مثابه مکتب اخلاقی اقتصادرفاه

- ▶ براساس رویکرد مطلوبیت گرایانه مورد پذیرش در اقتصاد متعارف، خوبی یا بدی یک سیاست اقتصادی را باید با توجه به نتایج آن برای رفاه افراد جامعه ارزیابی کرد.
- ▶ اقتصاددانان برای سنجش تغییرات رفاه به طور عمده بر کارایی تمرکز و از شاخصی همچون بهینه پرتو استفاده می کنند. براساس این شاخص، وضعیتی مطلوب است که نتوان رفاه حداقل یک نفر را افزایش داد، بدون اینکه از رفاه دیگران کاسته شود. ارزیابی براساس کارایی و بهینه پرتو، نسبت به دیگر ارزش ها از جمله عدالت خنثی است. یک وضعیت ممکن است بهینه پرتو باشد؛ ولی عادلانه نباشد.
- ▶ در رویکرد مطلوبیت گرایانه رایج در اقتصاد رفاه، رفاه مستقیماً تابعی از سطوح مطلوبیت افراد به گفته می شود؛ ولی به طور غیر مستقیم تابعی از سبدهای مصرفی افراد می باشد.

خودگروی و دیگرگروی در اقتصاد رفاه :

در بحث اقتصاد رفاه وضعیت بهینه در مصرف با این فرض ترسیم میشود که توابع مطلوبیت افراد مستقل از یکدیگر می باشند. با فرض وجود دیگرگرایی افراطی، مطلوبیت مصرف کننده (الف) می تواند با مشاهده افزایش مطلوبیت فرد (ب) افزایش یابد. در حالت تمایل به چشم و همچشمی، مطلوبیت مصرف کننده (الف) با مشاهده افزایش مطلوبیت فرد (ب) کاهش می یابد. در شرایط بهینه باید نرخ نهایی جانشینی تمام مصرف کنندگان برابر باشد. در حالت وجود تمایلات دیگر گریانه مثبت (خیرخواهی) و منفی (حسادت و چشم و هم چشمی) نمیتوان از برابری نرخ جایگزینی به بهینگی پرتو رسید.

اصل حداقل خیرخواهی

در اقتصاد رفاه اصل حداقل خیرخواهی بطور ضمنی پذیرفته میشود، بدین معنا که افراد با برخورداری از حداقل روحیه نوع دوستی، بهتر شدن وضعیت دیگران بدون تغییر در وضعیت خود را خوب قلمداد کنند.

مفهوم کارایی در اقتصاد رفاه :

- ▶ اگر نتوانیم مطلوبیت فرد **الف** را افزایش دهیم، مگر اینکه مطلوبیت فرد **ب** را کاهش دهیم. به این وضعیت اجتماعی موقعیت **کارای اجتماعی** یا **بهینه پارتو** گفته می شود.
- ▶ برای تحقق چنین کارایی سه شرط کارایی در مصرف، کارایی در تولید و کارایی ترکیب محصول مطرح است. مصرف کارا مستلزم این است که نرخ نهایی جانشینی دو کالا برای افراد برابر باشد. تولید کارا مستلزم این است که نرخ نهایی جانشینی میان عوامل در همه صنایع یکسان باشد. کارایی ترکیب محصول نیز مستلزم این است که ارزش ذهنی کالای **الف** بر حسب کالای **ب** با هزینه نهایی **الف** بر حسب **ب** برابر باشد.

مفهوم عدالت در اقتصاد رفاه

- ▶ کارایی پارتو نسبت به توزیع رفاه بین مردم چیزی بیان نمیکند. معمولاً تخصیص های پارتویی زیادی وجود دارد جامع چگونه از بین آنها انتخابی خواهد داشت؟
- ▶ به نظر **هال واریان**، **ایده تخصیص عادلانه روش دیگری برای قضاوت توزیعی** (در برابر ایده تخصیص کارا) است. این ایده بر تقارن و برابری تاکید دارد. از نظر او، **تخصیصی عادلانه و برابر است که هیچ فردی سبد مصرفی کالاهای فرد دیگر را بر سبد خودش ارجح نداند.**
- ▶ **لیارد و والترز** نیز بین مفهوم کارایی و برابری (یا عدالت) تمایز قائل میشوند. به نظر آنها تمایزی که دیگران بین مسائل تخصیص و توزیع قائل شدند، که با هدف رسیدن به همان دوگانگی میان کارایی و برابری است، **صحیح نیست**؛ زیرا چنین تمایزی زمانی قابل تصور است که بتوان مسئله اقتصادی را در دو مرحله حل کرد: نخست، پیشینه کردن ارزش محصول اجتماعی از طریق تخصیص صحیح عوامل تولید و دوم، تضمین یک توزیع عادلانه از طریق تخصیص کاملاً خوب محصول.

مفهوم عدالت در اقتصاد رفاه

- ▶ **هندرسون و کوانت** نیز به ضعف بهینه پرتو در توجه به عدالت توزیعی اشاره دارند. از نظر ایشان، در تحلیل های بهینگی پرتو از مقایسه مطلوبیت افراد پرهیز می شود. براساس این، تغییراتی که در آن وضعیت برخی افراد بهبود می یابد و وضعیت برخی افراد بدتر میشود، ارزیابی نمیشود. در تحلیل بهینه پرتو تنها تغییراتی بررسی می شود که وضعیت حداقل یک نفر بدون تغییر در وضعیت دیگران بهبود یابد. از نظر هندرسون و کوانت، توجه نکردن به مسئله توزیع باعث کاهش تعداد پرسش هایی می شود که با نظریات پارتو می توان پاسخ داد.
- ▶ **آمارتیا سن** نیز به خوبی ناسازگاری مفهوم بهینه پرتو با اقتضات عدالت را مورد اشاره قرار داده است. به نظر او، یک اقتصاد می تواند بهینه پارتویی باشد، حتی زمانی که برخی از مردم در بالاترین تحمل و رفاه لوکس بوده و برخی دیگر نزدیک است از گرسنگی تلف شوند؛ ولی نمی توان به گرسنگان چیزی داد، مگر آنکه اندکی از رفاه و لذت افراد غنی کاسته شود.

ارزش آزادی در اقتصاد رفاه

- ▶ در رویکرد لیبرالی به اقتصاد رفاه آزادی ارزشی محوری در تابع رفاه اجتماعی دارد
- ▶ تفاوت رویکرد سن با دیگر لیبرالها این است که وی نگاه گسترده ای به فرصتها دارد. او فرصت ها را در کالاهای اولیه رالز خلاصه نمی کند و معتقد است که با توجه به تفاوت افراد در خصوصیات و اهداف، برای هر فرد باید فرصت هایی متناسب با ویژگیهای خاص او فراهم شود.
- ▶ به نظر او، آزادی در یک وضعیت عادلانه اجتماعی شانی کاملا برتر از تلقی آن به منزله بخشی از برخورداری فردی -از گونه درآمد یا ثروت- دارد.
- ▶ وی قابلیت را به مفهوم آزادی گسترده شامل آزادی های فرصتی و فرآیندی می داند. در حقیقت، قابلیت ها در رویکرد سن در فضای آزادی دستیابی به اهداف محقق می شود. او آزادی را هم هدف و هم وسیله میداند.

ارتباط بازار رقابت کامل و کارایی

- ▶ در اقتصاد خرد تلاش می شود تا بین مباحث هنجاری اقتصاد رفاه و مباحث اثباتی ارتباط برقرار شود. این ارتباط از طریق فرض بازار رقابت کامل برقرار میشود. در این راستا استدلال میشود که تحت شرایط رقابت کامل سه شرط کارایی تامین میشود.
- ▶ این شرایط در قالب قضایای رفاه مطرح شده است:
- ▶ **۱ قضیه اول اقتصاد رفاه:** در صورت وجود رقابت کامل و فقدان آثار بیرونی و همچنین فقدان ناتوانی بازاری ناشی از عدم اطمینان، تخصیص منابع بهینه پارتو خواهد بود؛
- ▶ **۲ قضیه دوم اقتصاد رفاه:** هر تخصیص معین و مبتنی بر بهینه پرتو منابع که از نظر فنی امکان پذیر باشد را میتوان با ایجاد بازارهای آزاد و الگوهای با مالکیت عوامل تولید به دست آورد؛ اگر بازدهی های نسبت به مقیاس فزاینده، عوامل بیرونی تکنولوژیکی و ناتوانی بازاری ناشی از عدم اطمینان وجود نداشته باشد.

ارتباط بازار رقابت کامل و کارایی

- ▶ برای پیدا کردن **بهینه اجتماعی** از تابع رفاه اجتماعی استفاده میشود تا ترکیب مطلوبیت ارجح را انتخاب کنیم براساس این شرط، ارزش اجتماعی دادن یک واحد اضافی از محصول (الف) به هر فرد باید با ارزش اجتماعی اعطای آن به دیگر افراد برابر باشد.
- ▶ براساس قضیه عدم امکان **ارو**، روش ایده آلی برای جمع کردن ترجیحات افراد و تبدیل آن به ترجیحات اجتماعی وجود ندارد.
- ▶ از نظر هندرسون و کوآنت در تحلیل پارتویی، تعداد بیشماری نقطه وجود دارد که بهینه تلقی میشود. قبول منحنی قرارداد بعنوان منحنی معرف وضعیت های بهینه، خود حکمی ارزشی است. برای داوری در باب مطلوبیت اجتماعی نقاط مختلف منحنی قرارداد، جامعه باید رای ارزشی دیگری صادر کند و رجحان های آنرا از بیان شیوه های مختلف تامین رضایت مندی افراد تعیین کند.

گسترش ارزش داوری های اقتصاد رفاه در دیگر مطالعات اقتصادی

- ▶ ارزش داوری های نهفته در اقتصاد رفاه، به دیگر حوزه های مطالعات اقتصادی نیز تسری پیدا کرده است. برای نمونه، تحلیل های نظریه پردازان تجارت بین الملل در مورد مطلوب بودن تجارت آزاد نیز مشتمل بر همان ارزش داوری های اقتصاد رفاه است.
- ▶ ادعا میشود که تجارت آزاد بین افراد و کشورها براساس مزیت نسبی، با فرض ثبات سایر شرایط، موجب بهینه پرتو و در نتیجه منتفع شدن هر دو طرف تجارت می شود.
- ▶ هر چند ممکن است این ادعا در مورد مبادله دو فرد صحیح باشد، ولی در مورد مبادله دو کشور الزاما این گونه نیست.

از تحلیل مهندسی تا تحلیل ارزشی در سیاست گذاری اقتصادی

- ▶ ادعا شده که اقتصاددانان در تحلیل های خود همانند مهندسان عمل می کنند. آنان پیامدهای سیاستهای مختلف اقتصادی را بیان میکنند؛ بدون اینکه جهت گیری خاصی داشته باشند.
- ▶ ولی این ادعا بسیار ساده انگارانه است چرا که برای قضاوت در مورد بهترین سیاست مجبوریم دیگر طرح های ممکن را در نظر بگیریم و آنها را **رتبه بندی** کنیم. تصمیم گیری در مورد یک سیاست تنها به تأمین هدف و محدودیت وابسته نیست؛ بلکه به میزان موفقیت طرح پیشنهادی در تأمین اهداف در مقایسه با سایر طرحهای ممکن نیز بستگی دارد. و این نیازمند یک **معیار اخلاقی یا اجتماعی** است که بر اساس آن پیامدهایشان را رتبه بندی کنند.
- ▶ وقتی اقتصاددانی به تخمین میزان درآمد حاصل از نرخ مالیات می پردازد، محاسبه او فنی است؛ ولی در بسیاری از اظهار نظرهای اقتصادی به ویژه توصیه های سیاستی، نوعی ارزش گذاری ضمنی پذیرفته شده و براساس آن قضاوت میشود.
- ▶ اقتصاددانان به طور معمول، رفاه و کارایی را به عنوان معیار ارزشی جهت رتبه بندی طرحها در نظر می گیرند. اگر رفاه به عنوان ارزش ذاتی پذیرفته شود و ارزش هایی چون برابری و عدالت به عنوان ارزش ابزاری قلمداد شوند، محور بحث در اقتصاد هنجاری رفاه خواهد بود. ولی اگر ارزش ذاتی به عدالت داده شود، فضای بحث در اقتصاد هنجاری را تغییر میدهد.

از تحلیل مهندسی تا تحلیل ارزشی در سیاست گذاری اقتصادی

- ▶ ارزش ها نه تنها در انتخاب مسائل و موضوعات مورد مطالعه وارد پژوهشهای اقتصادی میشوند؛ بلکه بر اینکه در مطالعه از چه روش هایی استفاده شود و یا چه فرضیاتی کنار گذاشته شوند و یا ملاحظه شوند، تاثیرگذارند.
- ▶ هاسمن و مک فرسون (۲۰۰۶) معتقدند ارزش گذاری مخفی اقتصاددانان در مواردی که سیاست های اقتصادی نتایج احتمالی دارند، ظهور و بروز بیشتری دارد؛ زیرا در این موارد اقتصاددان باید ارزش گذاری مشخصی از آثار متنوع سیاست داشته باشد. به نظر آنان، سیاستمداران به طور معمول همه ارزش های خود را تصریح نمی کنند و اقتصاددانان به طور معمول، خलाهای موجود را با ارزشهای خود پر میکنند.

رتبه بندی اهداف اقتصادی

- ▶ وزن دهی و رتبه بندی اهداف اقتصادی از جمله رفاه، آزادی و عدالت می تواند سیاستهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. این وزن دهی تحت تأثیر مکتب موردپزیرش اقتصاددان قرار میگیرد.
- ▶ یک اقدام ممکن است رفاه کل را افزایش دهد؛ ولی حق برخی از افراد را ضایع کند. براساس رویکردهای غیر نتیجه گرایانه هیچ کس مجاز نیست که برای بازداشتن افراد از تجاوز به حقوق، به حق فردی تجاوز کند. روبرت نازیک، به این دیدگاه معتقد است که حق در برابر چیزهای دیگر خوب معامله ناپذیر است.
- ▶ آزادی گرایان، حامی آزادی های سیاسی و اقتصادی و حفظ حقوق مالکیت میباشند. برخی از آزادی گرایان به این جهت از این آزادی ها حمایت می کنند که چنین اقدامی باعث ارتقای رفاه میشود. برخی آزادی گرایان مالیات بر ارث را به واسطه اینکه به حقوق مالکیت شخصی تجاوز می کند و منافی آزادی است، از نظر اخلاقی نادرست میدانند.

ارزش های نهفته در اقتصاد توسعه

میردال در اوایل زندگی علمی خود تلاش زیادی کرد تا نظریات اقتصادی از جمله نظریات اقتصاد توسعه را از ارزشها خالی کند. ولی در نیمه دوم زندگی علمی خودبه غیر ممکن بودن این تلاش پی برد. او سرانجام توصیه کرد اقتصاد دانان پیش فرض های نظری و ارزشی خود را آشکارا بیان و تلاش کنند دچار سوگیری نشوند. وی رویکرد قدیمی خود را تجربه گرایی خام مینامد.

میردال معتقد است که درک واقعیات مسبوق به داشتن دیدگاهی نظری (نظریه بار) و دارای بار ارزشی (ارزش بار) است. ارزش گذاریها رویکرد ما در تحقیق را معین می کنند، در تعریف مفاهیم مشارکت دارند، واقعیات مورد مشاهده را شکل میدهند، مبنای استدلال قرار می گیرند و حتی در نحوه ارائه نتایج تأثیر می گذارند.

به نظر میردال، ارزشها به افراد تعلق دارد و به همین دلیل نظریه های توسعه می باید از منظر ارزش گذاری های متعلق به افراد مورد مطالعه نگریسته شوند. از این رو، وی پیشنهاد میکند که پژوهشگر توسعه باید در برخورد با ارزشها روند زیر را دنبال کند .

۱- ارزش گذاری ها را تا سرحد آگاهی، تعالی دهد (ارزشهای پنهان منشا انحراف و تورش) خواهد بود.

۲- ارزش گذاری ها را از نظر موضوعیت، اهمیت، و عملی بودن در جامعه تحت بررسی، مورد مذاقه قراردهد

۳- ارزش گذاریها را به قضایای ارزشی مشخص برای تحقیق تبدیل کند.

۴- در چارچوب قضایای ارزشی، رویکرد مشخص و مفاهیم تعریف شوند

ارزش های نهفته در اقتصاد توسعه

- ▶ میردال معتقد است که در نظریه پردازی توسعه باید ارزشهای بومی را در نظر گرفت، ولی خود از این دیدگاه عدول می کند و ارزش های مدرن را ملاک قرار میدهد. سرانجام میردال معتقد است که ارزش های مدرنیزاسیون باید ملاک قرار گیرد.
- ▶ به نظر دایکما، میردال آنچنان به خصوصیت جهان شمولی و کارایی این ارزش ها اعتقاد پیدا کرده که این ارزش های آرمانی را عقلایی و غیر قابل گریز میدانند.
- ▶ میردال با نوعی پارادوکس در زمینه پذیرش ارزشهای بومی از یک طرف و ضروری دانستن ارزش های نوگرایی از طرف دیگر مواجه میشود. وی میگوید: اگر مخالفت ارزشهای سنتی با آرمانهای نوگرایی از سوی افراد و گروه های سیاستگذار باشد، آنها به صورت یک مانع فکری، سد راه حرکتهای توسعه آفرین و سیاستهای عقلایی میشوند.
- ▶ از نظر میردال، ارزش های سنتی برخلاف آرمان های مدرنیزاسیون از آرمان های عقلانی پیروی نمی کنند. این رویکرد با دیدگاه میردال هماهنگ نیست؛ زیرا میردال ارزشها را دارای خاستگاه عاطفی می داند که به تیغ ارزیابی علم تن در نمی دهند وحتی نباید آنها را با معیار عقلانیت سنجید.

ارزش های نهفته در اقتصاد توسعه

سه دلیل برتری ارزش های مدرنیزاسیون بر ارزش های سنتی:

- ▶ ۱. ارزش های سنتی ماهیتی ایستا دارند باعث تحول نمیشوند و ناگزیر به رکود می انجامد.
 - ▶ ۲. آرمان های مدرنیزاسیون ماهیتی پویا و پیشرو دارند و این ویژگی برای توسعه اقتصادی ضروری است.
 - ▶ ۳. زمانی که ارزش های سنتی را قدری به سطوح ارزش های برتر ارتقا دهیم غالباً تفاوت و تضاد چندانی با ارزش های نوگرایی ندارند.
- میردال ارزش ها را به دو دسته ارزش های برتر و ارزش های نازل تقسیم میکند به نظر او ارزش های سنتی که زمینه ساز رکود میباشند را باید فدای ارزش های نوین بستر ساز رشد و توسعه کرد.

ارزش های نهفته در اقتصاد توسعه

► میردال معتقد است که انسان برتر نهادها را میسازد و نهادها به انسان شکل میدهند. انسان عادی متأثر از محیط است در حالی که انسان ناجی غالب بر محیط و سازنده آن است. انسان برتر ملهم و متأثر از آرمان های روشنگری و اصول علمی اجتماعی است و در فضای عقب افتادگی محاط نمیشود و به همین دلیل میتواند ناجی باشد. بنابراین انسان ناجی محیط را شکل میدهد و محیط به نوبه خود انسان عادی را شکل میدهد. به این ترتیب تضاد ظاهری حل میشود.

ارزش های نهفته در اقتصاد توسعه

- **دنيس گولت** با رد رویکرد ارزشی میردال، نظریه دیگری در این زمینه دارد. گولت حق مردم نسبت به هویت فرهنگی، تعریف توسعه و چگونگی کنترل فرایند توسعه را می پذیرد. منظور گولت از مردم همان عوام یا مردم عادی است که باید بر سرنوشت خود حاکم باشند. از نظر گولت، میردال از دولت ها میخواهد که اقدامات سختی برای ایجاد انسجام عاطفی مردم اتخاذ کنند. انسجام عاطفی در نگاه میردال چیزی جز ضابطه مند کردن ارزشها و انطباق آنها با آرمانهای نوگرایی نیست.
- به نظر گولت، اتخاذ یک رویکرد اخلاقی نسبت به توسعه، مستلزم احترام به ارزشهای بومی است. از نگاه او، هیچ نیازی نیست که ارزش های سنتی را غیر عقلایی و یا ناسازگار با توسعه قلمداد کنیم؛ بلکه آنها در متن و بستر خود، کاملاً متین و عقلایی اند.
- گولت برخلاف میردال معتقد است که توسعه باید خود ابرازی برای عینیت بخشیدن به توانمندی های بشر یا تعالی بشر باشد، نه اینکه ابرازی برای تغییر ارزش های آنها باشد.
- از نظر گولت برای دستیابی به توسعه، تحقق سکولاریسم ضرورتی ندارد. گولت معتقد است که باید اشکال مختلف عقلانیت غیر مدرن را محترم شمرد. این در حالی است که میردال تنها ارزشهای مدرنیزاسیون را اساس تمدن عقلانی و سبب پیشرفت های علمی و فنی میداند.

رفتارهای خیرخواهانه

► اقتصاددانان برای تبیین رفتارهای خیرخواهانه مدل‌های متفاوتی را بسط داده اند. این نظریه ها را می توان در قالب نظریه های **ترجیحات خیرخواهانه**، **همکاری مشروط مبتنی بر هنجار** **مقابل به مثل** و **خیرخواهی ناشی از هویت شخصی** دسته بندی کرد.

الف: **نظریه های ترجیحات عام المنفعه**: این نظریات با به رسمیت شناختن دغدغه مردم نسبت به وضعیت رفاهی دیگران، و وابستگی مطلوبیت افراد به یکدیگ، مطلوبیت دیگران را بعنوان متغیری در تابع مطلوبیت افراد معرفی میکند

ب: **نظریه های همکاری مشروط مبنی بر هنجار مقابل به مثل**: مردم ضمن توجه به قصد و نیت دیگران در رفتار، رفتار دوستانه و غیر دوستانه را با رفتاری مشابه پاسخ میدهند.

ج: **نظریه های خیرخواهی ناشی از هویت شخصی**: مردم نه تنها به شهرت اجتماعی اهمیت میدهند بلکه میخواهند خود انگاره خوبی نیز داشته باشند. آنان برخی اعمال خیر خواهانه را انجام میدهند که علامت هایی در مورد خوبی رفتارشان به خودشان مخابره کنند.